

متن پرسش

با سلام استاد عزیز: استاد نظر تان را درباره این موارد خواستارم. ممنون. ۱. استاد سعی کردم شاید طبق عادت‌م درباره مواردی که در دین مان مطرح است آن بحث کلی یا فصل مشترک و نهایت احکام و اخلاق و اعتقاد را بفهمم. بطور مثال در فضای بیرون چه خبر است؟ چرا باید محبت کرد؟ چرا باید تواضع داشت؟ چرا باید نماز خواند و... بدون پیش فرضی. بحثم را خلاصه کنم، در پایان رسیدم به «یک، واحد». یعنی سرمنشا و علت تمام کارهایی که در دین سفارش شده و هدف ما و وظایف ما، این است که چون کلا یک چیز در عالم بیشتر وجود ندارد و آن خداست. شجاعت و ایثار و مهربانی و... زمانی معنا دارد که همه چیز یک چیز باشد. یک در مواجهه با غیر می شود شجاعت می شود ایثار... اداب شرعی باعث می شود ما مشوب به کثرات نشویم و با یک که سرمنشا همه زیبایی هاست زندگی کنیم. با خودم میگم درگیر کردن دیگران در کثرات وهمی مثل قتل آنهاست. ۲. استاد دومین چیز اینکه در مرتبه وجودی و در حد ما و ماده آنچه که شاید بیشتر باید رویش تمرکز کنیم نسبت گرفتن و مبارزه با غیر وجود است. تا وجود شجاعت و ایثار و مهربانی و... در وجودمان رخ بنمایاند. گویی قصه زندگی فقط قصه عشق بازی و ایثار است. برای اینکه وحدت زیبا رخ بنمایاند باید از خود دربیاییم. ۳. برایم سوال بود یعنی چی استاد می فرمایند که اگر آیت الله قاضی امروز بودند مثل شهدا بودند. تا اینکه یک مشکلی برایم ایجاد شد و باعث شد که بیشتر به علتها در درونم فکر کنم. اینطور فهمیدم که سرمنشا و مبحث کلی که سرفصل موضوعات مشکلات درونی است، بودن و نبودن است. به علت جهاد اکبر بودن جهاد درون رسیدم. یک سرفصل کلی اینکه هر آنچه عقل سالم گوید و آنچه در بیرون و درونم هست و حقیقت دارد و شرع و دین گفته را بها بدم و بقیه، در اصل، نیست و شاید یک روزی عرفا در جهاد اکبر بودند و امروز که نیستی، نمود خارجی یافته، باید در جهاد اصغر هم فعالیت داشت که حق می خواهد حاکم در مناسبات بشری شود. ۴. استاد گرامی آیا درست است که اینطور بگوییم که اگر آنچه که هست یکی است آن یک زیبایی و علم و... است و سنت و اخلاقیات برگرفته از عدالتش که سنتش هم برگرفته از یک، بودنش هست پس آنچه پیامبر گرامی اسلام (ص) به ما ارائه دادند کشف قانون زندگی است در مقیاس کل زندگی. ۵. استاد آیا می توانیم بگوییم که در مقیاس کوچکتر، آنچه که امروزه برخی دانشمندان یا فقیهان کشف می کنند به ترتیب قوانین طبیعت و زندگی امروز، هم در اصل در بنیان کارشان در حال شناخت بیشتر یک وجود و قوانین و سنتهاش هستند. ۶. در پایان استاد بحثی که یک بار فکر می کنم شما در پاسخ پرسشی فرموده بودید که آن تربیتی که فرزند باید براساس آن پرورش یابد به مادرش الهام می شود، حال استاد سوال اینکه آیا راهی که فرزند باید

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! همین‌طور است که حقیقتی یگانه به وسعت هستی در افق عالم و آدم حاضر است و باید از طریق شریعت الهی به سوی او بود. و این معنای زندگی است. و همان‌طور که متوجه هستید در دل چنین رجوعی همه چیز در جای خود معنا می‌شود و زیبایی علم نیز آشکار می‌گردد حتی در این رویکرد است که الهامات و نفحات به سوی ما می‌آید به همان معنایی که از پیامبر خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» داریم: «إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامٍ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ، إِلَّا فَتَعَرَّضُوا لَهَا» نسیم‌های رحمت الهی گاه بگاه می‌وزد. رحمت الهی مثل نسیم است، خبر نمی‌کند که کی و چه ساعتی می‌آیم. هوشیار باشید که از آن نسیم‌ها استفاده کنید. موفق باشید